

سواد مالی و مدیریت مالی شخصی

سمیرا عسگری^۱، مصطفی قاسمی^۲

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

^۲ استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

چکیده

ضرورت افزایش سواد مالی و کاهش بی سواد مالی از چالش های مهم انواع بازارها به خصوص بازارهای مالی است. در سال های اخیر، کشورها و اقتصادهای توسعه یافته و نوظهور توجه زیادی به سطح سواد مالی مردمشان کرده اند. این توجهات توسط بحران های مالی برجسته می گردد چون که فقدان سواد مالی، به تصمیمات مالی بیمار گونه کمک می کند و این تصمیمات به نوبه خود تأثیر زیادی بر تشدید شدن بحران ها دارد (بیدگلی و کریم خانی، ۱۳۹۵). لذا در حال حاضر سواد مالی به عنوان یکی از عوامل مهم ثبات و توسعه اقتصادی و مالی در سراسر جهان شناخته می شود. داشتن مهارت های مالی در دهه اخیر مهم تر نیز شده است، زیرا بازارهای سرمایه بازارهای پیچیده ای هستند که اساس آنها مبتنی بر تصمیم گیری است و قطعاً افراد تصمیم گیرنده باید از اطلاعات خوبی برخوردار بوده و آموزش های لازم را دیده باشند. بنابراین، موضوع سواد مالی مشارکت کنندگان فعلی یا بالقوه یکی از مسائل اصلی در عملکرد بهینه و کارای بازارهای مالی است. لذا با توجه به وجود نگرانی ها، پیش بینی می شود در آینده، افزایش سواد مالی و تأثیر آن بر مدیریت مالی شخصی، بازار را بیشتر از گذشته متحول کند. در این پژوهش ضمن مروری بر بنیاد سواد مالی بنا داریم نقش و اهمیت سواد مالی بر مدیریت مالی شخصی را بررسی نماییم.

واژه های کلیدی: سواد مالی، بی سواد مالی، مدیریت مالی شخصی

مقدمه

افراد برای دوری از تنزل سطح رفاه به دلیل زیان های ناشی از تصمیم گیری های مالی نادرست باید قادر باشند تصمیم های مالی درستی اتخاذ کنند. بدیهی است به کارگیری تصمیم های مالی درست، جز از طریق داشتن سطح مناسبی از سواد مالی امکان پذیر نیست. می توان گفت که بی سواد مالی مشارکت کنندگان در انواع بازارها و به خصوص بازارهای مالی شرط تقارن اطلاعاتی را نقض می کند و می تواند عملکرد آن بازارها را تحت الشعاع قرار دهد. درک مفاهیم و مهارت های مرتبط با سواد مالی به سبب اینکه مصرف کننده را برای بقاء در جامعه مدرن و مقاومت در برابر تنوع و پیچیدگی محصولات و خدمات مالی موجود توانا می سازد، ضروری شده است.

می توان چنین بیان نمود که داشتن مهارت های مالی در دهه اخیر مهم تر نیز شده است، زیرا با وجود بازارهای مالی پیچیده و رقابت شدید بین مؤسسات اعتباری برای بدست آوردن سهم بازار بیشتر، تأمین اعتبار آسان تر شده و سهولت امکان دسترسی به وام های مختلف و سایر طرق پرداخت منجر به افزایش پرداخت برای مصرف و رشد سریع سطح بدهی افراد و خانواده ها شده است. از سوی دیگر سرمایه گذاری یکی از عوامل مهم توسعه در قرن حاضر است که موجب جذب سرمایه های مردم شده و از طریق بازارهای سرمایه به هدایت آنها به بخش های مولد اقتصادی می انجامد. بازارهای سرمایه بازارهای پیچیده ای هستند که اساس آنها مبتنی بر تصمیم گیری است و قطعاً افراد تصمیم گیرنده باید از اطلاعات خوبی برخوردار بوده و آموزش های لازم را دیده باشند.

بنابراین، موضوع سواد مالی مشارکت کنندگان فعلی یا بالقوه یکی از مسائل اصلی در عملکرد بهینه و کارای بازارهای مالی است. سیاست گذارانی که براساس تئوری های اقتصاد بازار، سعی در توسعه بازارهای مالی دارند باید از پیش بدانند که کمترین سطح سواد مالی لازم برای افرادی که قرار است در بازارهای مالی مد نظر آنها مشارکت کنند باید چه میزان باشد تا اهداف مد نظر تحقق یابد و نیز باید ارزیابی درستی از سطح سواد مالی مشارکت کنندگان در بازارهای مالی داشته باشند. از این رو پژوهش حاضر در پی پرداختن به مبحث سواد مالی و مدیریت مالی شخصی است.

تاریخچه سواد مالی

سواد مالی اولین بار در سال ۱۹۹۷ در ایالات متحده و طی مراسم افتتاحیه ائتلاف عزم برای سواد مالی فردی^۱ مطرح شد. این ائتلاف در گزارش خود درباره مطالعه ای که برای سنجش میزان سواد مالی دانشجویان دبیرستان انجام داده بود، سواد مالی را " توانایی یک فرد در استفاده از دانش و مهارتش برای مدیریت اثربخش منابع مالی خود به منظور امنیت مالی در طول عمر" تعریف کرد. (جامپ استارت کوالیشن، ۲۰۰۷). با این حال، قبل از آن، این ایده به اوایل دهه ۱۹۰۰ با ظهور تحقیقات و ابتکارات آموزش مصرف کننده که در ایالات متحده آغاز شد، برمی گردد (جلی، ۱۹۵۸).

سواد مالی توسط بنیاد مالی تحقیق در آموزش انگلستان به شرح زیر تعریف شده است: توانایی قضاوت آگاهانه و تصمیم گیری مؤثر در استفاده از منابع پولی و مدیریت آن. پس از طرح این موضوع، مبحث سواد مالی، مبدل به یک موضوع بسیار مهم تحقیقاتی شد، بطوری که ابتدا در کشورهای انگلستان و آمریکا و متعاقب آن در سایر کشورها از جمله استرالیا، هلند، ایتالیا، مالزی و مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت. در تأیید این مدعا به تعداد زیادی از مطالعات در این حوزه و اجرای برنامه های آموزشی متعدد در راستای ارتقاء سواد مالی در کشورهای مختلف به ویژه آمریکا می توان اشاره داشت. به نحوی که تقریباً

1. JumpStart Coalition for Personal Financial Literacy

اغلب ایالت های این کشور سرفصل مصوب سواد مالی داشته و علاوه بر آن مجمعی به نام جامپ استارت در آمریکا وظیفه توسعه و بهبود سواد مالی را به عهده گرفته و هر ۲ سال یکبار نسبت به آزمون ادواری سواد مالی و گزارش نتایج آن اقدام می نماید. در انگلستان نیز مفاهیم مالیه شخصی (سواد مالی) به عنوان بخشی از برنامه های آموزش ملی دیده شده است (صفرپور، ۱۳۸۹).

سواد مالی در سال های اخیر از طریق علایق گروه های مختلف از جمله دولت ها، بانکداران، کارفرمایان، گروه های ذینفع جامعه، بازارهای مالی، و سازمان های دیگر، به ویژه در کشورهای توسعه یافته به دست آمده است. اهمیت بهبود سواد مالی با توجه به عوامل از جمله توسعه جدید محصولات مالی، پیچیدگی بازارهای مالی و تغییرات در زمینه های سیاسی، عوامل جمعیتی و اقتصادی افزایش یافته است. از زمانی که کسب و کار آمریکایی برای تولید خروجی بیشتری با ورودی کمتر به عنوان جهانی شدن تولید در یک محیط اقتصادی رقابتی تر به چالش کشیده شد، یک جنبش به بازسازی نظام آموزشی وجود دارد.

تعریف سواد مالی

در میان محافل دانشگاهی، سواد مالی معانی متعدد یافته است و از آن برای ارجاع به دانش درباره محصولات مالی (برای مثال، اوراق سهام در برابر اوراق قرضه، تفاوت میان اوراق رهنی با نرخ ثابت و نرخ شناور، و غیره)، دانش درباره مفاهیم مالی (تورم، بهره مرکب، تنوع، امتیازهای اعتباری و غیره)، داشتن مهارت های ریاضی یا عددی لازم برای تصمیم گیری مالی مؤثر و درگیر بودن در فعالیت های معینی مانند برنامه ریزی مالی استفاده می شود (هاستینگز و همکاران، ۲۰۱۲). هاستون (۲۰۱۰) با بررسی ۷۱ پژوهشی که در زمینه سواد مالی صورت گرفته، نشان داد که بیشتر پژوهش ها (۷۲ درصد) تعریفی درباره سواد مالی ارائه نکرده اند، ۱۵ درصد از آنها دربردارنده جستارهایی درباره تعریف این واژه اند و فقط ۱۳ درصد از این ۷۱ پژوهش، تعریفی رسمی ارائه کرده اند. وی در پژوهش خود تعاریف سواد مالی که توسط پژوهشگران و نهادهای مختلف ارائه شده را جمع آوری کرده است، برخی از این تعاریف عبارتند از:

۱. سواد مالی توانایی انجام قضاوت های درست و به کارگیری تصمیم های مؤثر در زمینه استفاده و مدیریت پول است () ای.ا.ن. زد، ۲۰۰۸؛ بیل و دلپاچیترا، ۲۰۰۳).
 ۲. سواد مالی، دانش پایه ای است که افراد برای بقاء در یک جامعه مدرن به آن نیاز دارند (کیم، ۲۰۰۱).
 ۳. سواد مالی به توانایی فردی برای فهم و استفاده از مفاهیم مالی اطلاق می شود (س.رو.ن و کاستنر، ۲۰۰۸).
 ۴. سواد مالی به عنوان فهم اصطلاحات و مفاهیم کلیدی مالی تعریف می شود که برای زندگی روزمره در جامعه آمریکا مورد نیاز است (بون، ۲۰۰۲).
 ۵. سواد مصرف کننده^۲ به عنوان دانش مالی خودارزیابی شده یا دانش عینی^۳ تعریف می شود (کورچین و زورن، ۲۰۰۵).
- هونگ، پارکر و یونگ (۲۰۰۹) با بررسی در سایر پژوهش ها (علاوه بر ۷۱ مورد بررسی شده توسط هاستون (۲۰۱۰)) تعاریف دیگری از سواد مالی یافته اند که در زیر فهرست شده اند، ایشان همانند هاستون (۲۰۱۰) نشان داده اند در بسیاری از پژوهش ها این واژه اصلاً تعریف نشده است.

² Consumer literacy

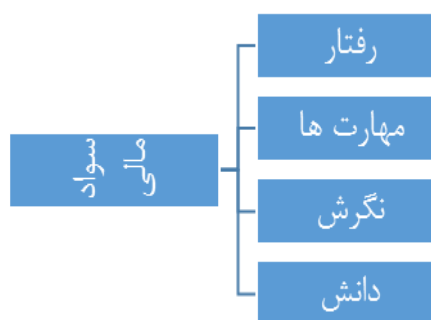
³ Objective knowledge

- آشنایی با مفاهیم پایه اقتصادی، دانش درباره اقتصاد آمریکا و فهم برخی اصطلاحات اقتصادی کلیدی (□ ن. سی. ای. ای، ۲۰۰۵).
 - توانایی ارزیابی ابزارهای مالی جدید و پیچیده و انجام قضاوت های درست^۴ هم درباره انتخاب ابزارها و هم گستره استفاده از آنها (مندل، ۲۰۰۷).
 - دانشی از مفاهیم مالی پایه مانند بهره مرکب، تفاوت میان ارزش های اسمی و واقعی و مبانی متنوع سازی ریسک (لوساردی، ۲۰۰۸).
- هاستون (۲۰۱۰) نشان داد در ۴۷ درصد از پژوهش های انجام شده، دو واژه سواد مالی و دانش مالی به طور مترادف به کار رفته اند و تفکیکی میان آنها صورت نگرفته است. از طرف دیگر، در چند سال اخیر در برخی از محافل علمی و حرفه ای واژه توانمندی مالی^۵ جایگزین سواد مالی شده است. پژوهشگران انگلیسی و کانادایی از پیشگامان به کارگیری واژه توانمندی مالی هستند و از آن برای توصیف دانش مالی افراد و اطمینان و انگیزه آنها برای مدیریت مالی فردی^۶ استفاده می کنند (آتکینسون و همکاران، ۲۰۰۶).
- رموند (۲۰۱۰) با بررسی پژوهش هایی که از سال ۲۰۰۰ در حوزه سواد مالی انجام شده بیان داشته است که می توان تعاریف مختلفی که برای سواد مالی ارائه شده را به چهار دسته تقسیم کرد:
۱. دانشی از مفاهیم مالی؛ ۲. مهارت در مدیریت امور مالی شخصی؛ ۳. مهارت در به کارگیری تصمیم های مالی مناسب، و ۴. اطمینان در برنامه ریزی مؤثر برای نیازهای مالی آینده.
- مؤسسه حسابداران رسمی آمریکا، تعریف سواد مالی را به عنوان توانایی ارزیابی و مدیریت مؤثر امور مالی شخصی به منظور تصمیم گیری های عاقلانه در جهت رسیدن به اهداف زندگی و دستیابی به وضعیت مالی خوب تعریف کرده است (دلانونه و همکاران، ۲۰۱۲). سواد مالی می تواند دربردارنده مفاهیمی از نوع آگاهی های مالی، دانش و علم در خصوص محصول های مالی و مؤسسه های مالی و یا مفاهیمی چون مهارت های مالی مانند توانایی محاسبه پرداخت بهره ترکیبی و به طور کلی توانایی مالی در خصوص مدیریت پول و برنامه ریزی های مالی باشد؛ اگرچه در عمل این مفاهیم با هم همپوشانی دارند و مشترک هستند (دیانتی و حنیفه زاده، ۱۳۹۴). این مفاهیم ممکن است شیوه پیاده سازی متفاوتی داشته باشند که وابسته به سطح درآمد کشورها است (آتکینسون و مسی، ۲۰۱۲).
- کاندیابونگومین و همکارانش (۲۰۱۶) در مقاله ی خود سواد مالی را در قالب یک الگوی مفهومی تبیین کرده اند. آنها نشان می دهند که الگویی از سواد مالی با چهار مؤلفه ی رفتار، مهارت ها، نگرش و دانش قابل اندازه گیری است (کاندیابونگومین و همکاران، ۲۰۱۶). مؤلفه های مزبور در تصویر زیر نشان داده شده اند.

⁴ Make informed judgments

⁵ Financial capability

⁶ Personal finances



شکل ۱- الگوی سواد مالی

با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته می‌توان گفت که کماکان اجماعی روی واژه‌هایی مانند سواد مالی، دانش مالی و توانمندی مالی وجود ندارد و محققان بیشتر این واژه‌ها را مترادف فرض می‌کنند و به جای یکدیگر نیز به کار می‌برند؛ اما به طور قطع می‌توان گفت که در میان این سه واژه، سواد مالی کاربرد و عمومیت بیشتری دارد و استفاده از آن رایج‌تر است. با این حال، اجماع شایان توجهی درباره‌ی تعریف سواد مالی در میان پژوهشگران وجود ندارد. فقدان چنین اجماعی می‌تواند تا حدودی منطقی به نظر برسد؛ زیرا اگر سواد مالی را ابزار راهبری فردی در فضای مالی سازی بدانیم یعنی ابزاری که افراد توسط آن، امنیت مالی و رفاه مادی خود را در جامعه‌ی مالی سازی شده ایجاد و حفظ می‌کنند، آن گاه حدود و ابعاد این ابزار و ویژگی‌ها و ظرافت‌ها باید متناسب با میزان مالی سازی آن جامعه‌ی تعیین شود که فرد در آن زندگی می‌کند. از این رو، نمی‌توان تعریف جهان شمولی برای سواد مالی ارائه داد و باید متناسب با سطح بلوغ و پیچیدگی نظام‌های مالی و اقتصادی و اجتماعی هر جامعه، سواد مالی مورد نیاز در آن جامعه را تعریف کرد.

تعریف فرد بی سواد مالی

مهارت کار با پول یکی از شایستگی‌های کانونی است که مورد توجه تحقیقات قرار گرفته است. این مهارت در قالب عناوین مختلفی از قبیل هوش مالی یا سواد مالی معرفی گردیده و منظور از آن، درک ماهیت و کارکرد پول، تعامل سازنده، اثربخش و مثبت در قبال خود، محیط خانواده‌ها، جوامع و محل کارهاست. مهارت کار با پول به این خاطر که از جنبه‌های مختلف فردی و اجتماعی می‌باشد و نقش زیربنایی نسبت به تمام فعالیت‌ها و امور روزمره‌ی زندگی ایفا می‌کند جزء اساسی‌ترین مهارت‌های زندگی تلقی می‌شود (مهرابی و شورشی، ۱۳۸۷). بی‌سوادی به دو دسته تقسیم می‌شود: بی‌سوادی کامل و بی‌سوادی عملکردی. به افرادی که فاقد توانایی خواندن و نوشتن باشند بی‌سوادی کامل می‌گویند. در برابر آن، بی‌سوادی عملکردی به افرادی گفته می‌شود که ممکن است مهارت‌های اساسی مانند خواندن، نوشتن و حساب کردن را یاد گرفته باشند ولی از انجام یکسری وظایف مربوط به انتخاب آگاهانه و مشارکت کامل در زندگی روزمره، عاجزند. برخی از این وظایف ممکن است شامل خواندن برچسب دارو، خواندن بیانیه‌ی بانک و... باشد (کری و همکاران، ۲۰۱۲).

طیف گسترده‌ای از زمینه‌ی سواد را آموختن، خلق کردن، ارتباط و انتقال معنا در بر می‌گیرد. سواد به معنای مطلق خواندن و نوشتن نیست بلکه بیشتر شامل دانش، مهارت‌ها، برقراری ارتباط مؤثر، توانایی تفکر انتقادی، مقابله با تغییر و حل مشکلات در زمینه‌های گوناگون می‌باشد. بکارگیری سواد به منظور این است که فرد به اهداف شخصی و توانایی‌های بالقوه‌ی خود و توسعه‌ی دانش برای مشارکت کامل در جامعه برسد (برنامه‌ی ارزیابی، ۲۰۱۲). برای هر جامعه موضوع بی‌سوادی مالی به

عنوان یک موضوع منحصر به فرد بین المللی دانش آموزان قلمداد می شود و بر روی همه ی افراد اعم از مردان و زنان، پیر و جوان از هر نژاد و سطوح اجتماعی و اقتصادی تأثیر می گذارد.

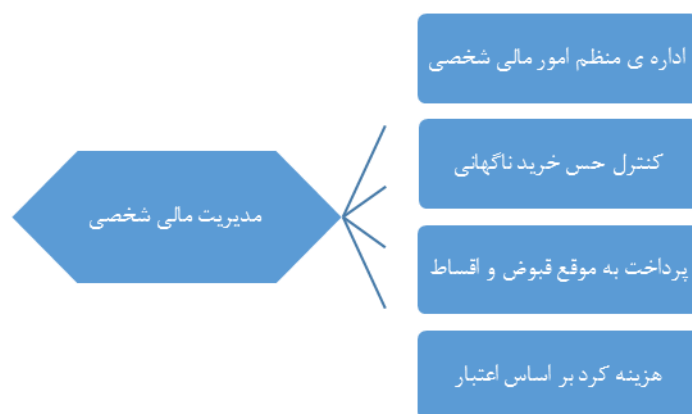
افرادی که در زمینه ی سواد مالی آگاهی ندارند یا به عبارتی دیگر بی اطلاع هستند به عنوان بزرگسالی که در نحوه ی مدیریت پول خود ناتوان هستند در جامعه رشد می کنند و احتمال می رود دچار بدهی های سنگین شوند و در شغل و حرفه شان با مشکلاتی مواجه گردند. این افراد در میان سایر افراد پیرامون خود به مصرف کننده هایی بی کفایت تبدیل می شوند که به رغم آنکه گزینه های زیادی برای انتخاب در اختیار دارند ولی دوست ندارند یک تصمیم عاقلانه بگیرند (لورنس هریس، ۲۰۰۹).

تعریف مدیریت مالی شخصی

مدیریت مالی شخصی به تصمیمات مالی ای که یک فرد یا خانواده در راستای دستیابی به بودجه، پس انداز و منابع پولی خرج شده در طی زمان اتخاذ می نمایند، اطلاق می گردد. این تصمیمات ریسک های مالی و حوادث آینده را در بر می گیرند. در فرآیند برنامه ریزی مالی، افراد نیازهای خویش را در زمینه وسیعی از خدمات بانکی (حساب جاری، حساب پس انداز، کارت اعتباری و وام مصرفی) یا محصولات سرمایه گذاری (بازار سهام، اوراق مشارکت، صندوق های سرمایه گذاری) و محصولات بیمه (بیمه عمر، بیمه سلامتی، بیمه از کار افتادگی) یا مشارکت و نظارت بر طرح های بازنشستگی، تأمین اجتماعی یا مدیریت پول بر درآمدها مورد توجه قرار می دهند. تأمین مالی شخصی یکی از مهمترین اجزای توسعه تلقی می شود. به طور کلی مصرف کنندگان منابع مالی به سه گروه اصلی طبقه بندی می شوند: مصرف کنندگان خرد (خانوارها)، بنگاه های اقتصادی کوچک و متوسط و بنگاه های اقتصادی بزرگ. در این میان بخش مصرفی یا همان خانوارها برای تأمین مالی شخصی خود به منابع مالی نیازمندند. استفاده از تسهیلات و وام های بانکی برای ازدواج، خرید خودرو و مسکن، کارت های اعتباری، بیمه عمر و بازنشستگی از جمله مصادیق مهم تأمین مالی شخصی تلقی می شوند. تأمین مالی و دانش مرتبط با آن از جمله مهارت های ضروری در زندگی محسوب می شود که آموزش و یادگیری آن می بایست از دوران کودکی آغاز گردد. (جلیلی و همکاران، ۱۳۹۲). رفتار مالی و تأمین مالی شخصی از جنبه های مهم رفتار اجتماعی هستند که تأثیرات قابل ملاحظه ای هم بر زندگی شخصی افراد و هم اجتماع می گذارند. آگاهی مردم در این زمینه به آنان کمک می نماید تا منابع مالی خویش را بهتر مدیریت نمایند. توسعه دانش افراد و خانوارها در این زمینه قدرت اقتصادی اجتماعی خانواده را افزایش می دهد. در کشور ما دانش مالی افراد و خانواده ها ضعیف بوده و مطالعات نشان می دهد که حتی فارغ التحصیلان یا دانشجویان رشته های مرتبط مانند مدیریت مالی و حسابداری نیز لزوماً شناخت کاملی از دانش تأمین مالی شخصی ندارند. اندیشمندان اصطلاح "رفتار مالی" را برای ارجاع رفتارهای مثبت یا خواسته ای به کار می برند که توسط اقتصاددانان و مصرف کنندگان به عنوان راه های پیشرفت خوشبختی مالی پیشنهاد می شوند. رفتارهای مالی عمومی شامل فعالیت هایی در رابطه با پول نقد، مدیریت اعتباری و پس انداز می باشد. (جینی و همکاران، ۲۰۰۳). همان گونه که مهارت های تحصیلی برای زندگی ضروری هستند، به همان اندازه هم دانستن مهارت های مالی و اقتصادی برای انسان ها ضروری است. این کار از طریق آموزش دانش مالی، ابتدا در سطح خانواده و سپس مدارس و دانشگاه ها آغاز می گردد و کم کم موجب تقویت شم یا نبوغ مالی فرد می شود. (کیانوش و همکاران، ۱۳۹۳).

سواد مالی در اختیار داشتن دانش و درک از مسائل مالی است، که به طور عمده در ارتباط با امور مالی شخصی استفاده می شود. سواد مالی اغلب مستلزم آگاهی از درستی تصمیم گیری های مربوط به برخی از زمینه های امور مالی شخصی مانند:

املاک و مستغلات، بیمه، سرمایه گذاری، صرفه جویی (به خصوص برای کالج)، برنامه ریزی مالیاتی و بازنشستگی است (دانشگاه ماساچوست، ۲۰۱۳). اگر افزایش دانش مالی، رفتار مالی را بهبود بخشد، بنابراین آموزش مالی بالقوه رفتار مالی را با افزایش دانش، بهبود می بخشد. بعلاوه برنامه های آموزش مالی به طور معمول کاری بیشتر از فراهم کردن اطلاعات مالی را انجام می دهند. با کمک به افراد در تعیین اهداف مالی واقعی، نشان دادن این مطلب که انباشت پس اندازهای کوچک در طول زمان صورت می پذیرد و ارائه ی حمایت از کارمند و همتایان، برنامه های آموزش مالی اغلب باعث افزایش انگیزه ی آنها، در انجام عملکردهای گردش وجوه احتیاطی، پس انداز و سرمایه گذاری می شود (کیانوش و همکاران، ۱۳۹۳) یکی از مهمترین عوامل در توانایی مالی می باشد که از طریق آن فرد می تواند امور مالی خانه ی خود را در دست گیرد و دخل و خرج خانه را مدیریت کند (آتکینسون و همکاران، ۲۰۰۶). آنتونیدس و همکاران (۲۰۱۱) مدیریت مالی شخصی را شامل اداره ی منظم امور شخصی، کنترل حس خرید ناگهانی، پرداخت به موقع قبوض و اقساط و هزینه کرد بر اساس اعتبار می داند. این مدل در شکل زیر آمده است.



شکل ۲- مدل مدیریت مالی شخصی

اهمیت سواد مالی

در سال های اخیر، کشورها و اقتصادهای توسعه یافته و نوظهور توجه زیادی به سطح سواد مالی مردمشان کرده اند. این توجهات توسط بحران های مالی برجسته می گردد چون که فقدان سواد مالی، به تصمیمات مالی بیمار گونه کمک می کند و این تصمیمات به نوبه خود تأثیر زیادی بر تشدید شدن بحران ها دارد (بیدگلی و کریم خانی، ۱۳۹۵). لذا درحال حاضر سواد مالی به عنوان یکی از عوامل مهم ثبات و توسعه اقتصادی و مالی درسراسر جهان شناخته می شود. علاوه بر تأثیر سواد مالی بر مدیریت بحران ها، عوامل دیگری نیز موجب می شود که توجه به سواد مالی به عنوان مهارت کلیدی زندگی، در سطح جهانی افزایش یابد. این عوامل عبارتند از:

۱- **افزایش مسئولیت افراد:** به عنوان نتایج تغییرات در بازار و اقتصاد، تعداد تصمیم های مالی ای که افراد باید اتخاذ کنند؛ درحال افزایش است. مردم باید تصمیم های مالی زیادی بگیرند و به تبعات این انتخاب ها نیز توجه کنند. لذا آنان نیازمند سواد مالی برای اتخاذ تصمیم های آگاهانه هستند.

۲- **افزایش عرضه گسترده وسیعی از محصولات و خدمات مالی:** در همه کشورها تعداد فزاینده ای از مصرف کنندگان به گستره وسیعی از خدمات مالی دسترسی پیدا کرده اند و این خدمات توسط تهیه کنندگان مختلفی تأمین می شود و از راه های مختلفی تحویل داده می شود. محصولات در دسترس نیز پیچیده تر شده اند و افراد باید به مقایسه عواملی مانند پول مطالبه شده، نرخ های بهره پرداختی یا دریافتی، مدت قرارداد و قرارگیری در معرض ریسک پردازند. همچنین آنها باید تأمین

کنندگان مناسب محصولات و راه های تحویل آن محصولات را از میان کانال های مختلفی مانند گروه های جامعه، نهادهای مالی سنتی، بانک های آنلاین و ... شناسایی کنند.

۳- **افزایش تقاضا برای محصولات و خدمات مالی:** توسعه اقتصادی و تکنولوژی، تغییرات زیادی را در ارتباطات و معاملات مالی و نیز تعاملات اجتماعی و رفتار مصرف کننده به وجود آورده است. با افزایش سطح پیچیدگی ای که افراد در تعاملات مالی خود با آن مواجه می شوند، انتظار می رود که آنها به میزان کافی سواد مالی داشته باشند تا اقدامات لازم را برای محافظت از خود و اطرافیان شان انجام دهند.

۴- **منافع بالقوه سواد مالی:** شواهد تجربی نشان می دهد افرادی که دارای سطح بالاتری از سواد مالی هستند؛ بهتر از دیگران قادر به مدیریت پول، پیش بینی بازار سهام و انجام انتخاب های بهتر هستند. همچنین سطح بالاتر سواد مالی ارتباط مستقیمی با مدیریت بدهی دارد و افراد دارای سواد مالی بالاتر، وام های کم هزینه تری را انتخاب می کنند و از پرداخت بهره بالا و پول اضافی اجتناب می کنند.

۵- **اهمیت ثبات مالی و اقتصادی:** مصرف کنندگان دارای سواد مالی می توانند تصمیمات آگاهانه تری را بگیرند و خدمات دارای کیفیت بالاتری را تقاضا کنند که این امر موجب تقویت رقابت و نوآوری در بازار می گردد. این عوامل منجر به کارایی بیشتری در بخش خدمات مالی می گردد و احتمالاً هزینه کمتری را بخاطر الزامات مالی نظارتی و تنظیمی تحمیل می کند. همچنین این عوامل می توانند به کاهش کمک های دولتی و اخذ مالیات برای کسانی که تصمیمات مالی غیرعقلانه ای گرفته اند یا اصلاً تصمیمی نگرفته اند، کمک کنند (پیس، ۲۰۱۲).

ابعاد سواد مالی

دانش مالی

دانش مالی همانند بسیاری از علوم دیگر بر پایه ای از تئوری ها و مدل ها قرار دارد. دانش مالی در ابتدای قرن بیستم به عنوان یک زیرشاخه از اقتصاد خرد مطرح گردید. به طوری که در بخش های عملکردی مؤسسات اقتصادی به دانش و مهارت بسیار بالای بخش مالی نیاز می باشد (می باوو، ۲۰۱۱). در تعریف می توان گفت دانش مالی به عنوان نوع خاصی از سرمایه انسانی در چرخه زندگی از طریق جنبه هایی از یادگیری به دست می آید و بر توانایی مدیریت بدهی ها، بودجه بندی، مخارج، پس انداز و سرمایه گذاری به شیوه ای بهینه تأثیر می گذارند و در هنگام تعاملات هنگام انتقال و دریافت اطلاعات به صورت گروهی به وجود می آید (دنیز و هابرم، ۲۰۰۷).

دانش مالی می تواند به همه مصرف کنندگان در همه سنین و با هر سطح درآمدی کمک کند تا بتوانند هزینه ها و بدهی ها را تحت کنترل نگه دارند. همچنین می تواند به خانواده ها در به دست آوردن نظم و انضباط برای صرفه جویی پس انداز و سرمایه گذاری کمک کند. همچنین می توان گفت دانش مالی: دانش و مهارت های مورد نیاز برای تصمیم گیری های مالی با شایستگی و اعتماد به نفس است (بومان، ۲۰۱۰). در جهان مردم به طور فزاینده ای در بازارهای مالی فعال شده اند در نتیجه پیچیدگی تصمیم گیری های مالی که خانواده ها با آن روبرو می شوند به صورت بی سابقه ای افزایش یافته است (ونریچ و لوسازدی، ۲۰۱۰).

دانش مالی از جنبه های مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است. نهادهای دولتی و سازمان های خصوصی در کشورهای توسعه یافته نظرسنجی هایی را برای اندازه گیری سطح دانش مالی از جامعه انجام داده اند. به عنوان مثال مطالعه انجام شده توسط «سازمان همکاری اقتصادی و توسعه» در سال ۲۰۰۵ در خصوص بررسی دانش مالی در ۱۲ کشور از جمله ایالات متحده

آمریکا، بریتانیا، کشورهای اروپایی، استرالیا و ژاپن نشان داد که دانش مالی اکثر پاسخ دهندگان بسیار پایین است. همچنین فقدان دانش مالی در کشورهای در حال توسعه مشهودتر است. به عنوان مثال در کشور هند، زامبیا و دیگر کشورهای در حال توسعه آفریقایی افراد درک درستی از مفاهیم مالی از قبیل بهره، پس انداز، سهام و سرمایه گذاری ندارند (کمبل، ۲۰۰۶).

نگرش مالی

نگرش از مفاهیم کاربردی در علم روانشناسی اجتماعی است. این اصطلاح از دهه‌ی ۱۹۵۰ به بعد متداول گردید و امروزه یکی از مهمترین مفاهیم مورد استفاده در روانشناسی اجتماعی آمریکا است (کریمی، ۱۳۷۳). نگرش عبارت است از ترکیبی از باورها و هیجان‌هایی که شخص را پیشاپیش آماده می‌کند تا به دیگران، اشیاء و گروه‌های مختلف به شیوه‌ی مثبت یا منفی یا خنثی نگاه کند. نگرش‌ها ارزیابی از اشیاء را خلاصه می‌کنند و در نتیجه پیش بینی یا هدایت اعمال یا رفتارهای آینده را بر عهده می‌گیرند. (گنجی، ۱۳۸۱). نگرش مالی را شاکی (۲۰۰۰) به عنوان ترکیبی از مفاهیم، اطلاعات و احساسات در ارتباط با فرآیند یادگیری و رسیدن به عمل مطلوب مالی تعریف نمود. از این رو توسعه نگرش مالی می‌تواند نتیجه‌ای از تجربه مستقیم مالی افراد با توجه به در معرض قرار گرفتن با تحت تأثیر قرار گرفتن محتوا باشد (وینکیلمن و همکاران، ۲۰۰۶).

رفتار مالی

رفتار واکنشی است که در برابر یک عمل یا کنش بیرونی سر می‌زند (ویکی پدیا دانشنامه آزاد). اندیشمندان اصطلاح «رفتار مالی» را برای ارجاع به رفتارهای مثبت یا خواست‌هایی به کار می‌برند که توسط اقتصاددانان و مصرف‌کنندگان به عنوان راه‌های پیشرفت خوشبختی مالی پیشنهاد می‌شوند. نظریه‌های ارائه شده از سوی دانشمندان در خصوص رفتارهای مالی را می‌توان در دو دسته‌ی نظریه‌ی رفتارهای مالی هنجاری و نظریه‌ی رفتارهای مالی اثباتی تقسیم بندی نمود. رفتارهای مالی هنجاری بیان می‌کنند که افراد معقول باید به شیوه‌ای معین عمل کنند. اما رفتارهای مالی اثباتی به آنچه که افراد واقعاً انجام می‌دهند، می‌پردازند (رهنمایی، ۱۳۸۹).

رفتارهای عمومی مالی شامل فعالیت‌هایی در رابطه با پول نقد، مدیریت اعتباری و بدهی، پس انداز و سرمایه گذاری می‌باشند (جینی و همکاران، ۲۰۰۴). همانگونه که مهارت‌های تحصیلی برای زندگی ضروری هستند به همان اندازه هم دانستن مهارت‌های مالی و اقتصادی برای انسان‌ها ضروری است. این کار از طریق آموزش دانش مالی ابتدا در سطح خانواده و سپس مدارس و دانشگاه‌ها آغاز می‌گردد و کم‌کم موجب تقویت شم یا نبوغ مالی فرد می‌شود. به عنوان مثال اینکه، یاد بگیرد که چگونه از یک تهدید یک فرصت بسازند و یا چگونه هزینه‌ها را مدیریت نمایند و... .

از آنجا که خوشبختی مالی یک فرد می‌تواند فاعلی (به گونه‌ای که از لحاظ درآمد، سرمایه‌گذاری‌ها و غیره اندازه‌گیری شود) یا مفعولی (به گونه‌ای که از لحاظ رضایت مالی اندازه‌گیری شود) باشد، این امر بر روی این استوار است که رفتارهای مثبت مالی می‌بایست خوشبختی مالی را در هر دو زمینه پیشرفت دهد. زعمزباور و همکاران (۲۰۰۶) در میان یک نمونه از مصرف‌کنندگانی که از مشاورات اعتباری استفاده می‌کردند، رفتارهای مثبت مالی در رضایت مشاهده کردند. یک مطالعه درباره استفاده از کارت‌های اعتباری دانشجویان دانشگاهی نیز نشان داد که رفتارهای مثبت مالی اضطراب‌های مالی را کاهش می‌دهد. علاوه بر این همچنان که توسط مادوکس و همکاران (۲۰۰۲) نشان داده شد فعالیت‌های آزادی جهت کاهش اضطراب‌های مالی می‌تواند به کسب خوشبختی مالی بهینه کمک کند.

عوامل مؤثر بر رفتار مالی

افراد در صد در صد مواقع به طور صد در صد منطقی نیستند و عقلانی رفتار نمی کنند و عوامل متعددی روند رفتار مالی هنجاری را بر هم می زند از جمله:

- **دسترسی به اطلاعات:** این مفهوم در تجزیه و تحلیل و در تصمیم های مالی مفهومی کلیدی است. طالب نیا و تختانی (۱۳۹۳) به ارزیابی ارتباط اطلاعات مالی با رفتار سرمایه گذاران هنگام خرید و فروش سهام پرداختند. یافته های حاصل از پژوهش بیان گر این است که بین اطلاعات مالی و هزینه های سرمایه ی شرکت ارتباط معنی داری وجود دارد.

- **دیدگاه محدود:** به علت دید بسته یا محدود برخی سرمایه گذاران در حالت زیان قرار می گیرند. دلایل متعددی وجود دارد که سرمایه گذار را در چنین وضعیتی قرار می دهد. یکی از مهم ترین علل، فقدان یا بی توجهی به ابزارهای کمی در ارزیابی سرمایه گذاری هاست. به بیان دیگر ابزاری جهت ایجاد دید وسیع یا وجود نداشته یا بدان توجه نشده است. در نتیجه می توان گفت همه ی آنچه را که باید دید، نمی توان دید. از دلایل دیگر می توان به داشتن دید کوتاه مدت در بعضی از سرمایه گذاری ها اشاره نمود در حالی که برخی از سرمایه گذاری ها در بلندمدت سودده هستند. در برخی از شرایط دیدگاه نزدیک بین یا گریز از زیان سازگار نیست. از عوامل دیگر هم می توان تمایل شدید سرمایه گذار را به یک سهم خاص و پافشاری به نگه داشتن آن سهم دانست (رهنمایی، ۱۳۸۹).

- **خطای فرافکنی:** این خطا زمانی به وقوع می پیوندد که سرمایه گذار یک حادثه یا واقعه ی اخیر و یا شرایط ایجاد شده در کوتاه مدت را به آینده یا بلندمدت تعمیم می دهد. در چنین حالتی سرمایه گذار امروز کاری را انجام می دهد که افراد پیروز بازار دیروز انجام داده بودند. از دیگر عیوب چنین تفکری این است که سرمایه گذار یک نمونه ی کوچک را به همه ی آینده و یا کل جامعه تعمیم می دهد. نتیجه ی چنین دیدگاهی سبب می شود که وی نسبت به برخی از سهام پر زرق و برق تر بدون توجه به تحلیل آن ها واکنشی فراتر از آنچه که باید، داشته باشد. همچنین ممکن است واکنشی زیادی نسبت به اخبار و شایعات (اغلب اخبار و شایعات بد) از خود نشان دهد، در حالی که آن ها ممکن است تنها کوتاه مدت و گذری باشند (رهنمایی، ۱۳۸۹). تمایل به تأکید بیش از حد بر رخدادهای اخیر و بنابراین بیش واکنش نشان دادن به اخبار جدید نیز می تواند نشان دهنده عملکرد ضعیف طولانی و ممتد عرضه های اولیه باشد. ظاهراً همانطور که سرمایه گذران، انتشار خبر داغ را مشاهده می کنند، به واسطه سودهای ظاهری که تنها انتظار آن را می کشند از کوره در رفته و سپس چند سال اندک بعدی را در حال تأسف خوردن بر احساسی شدنشان می گذرانند (رهنمایی، ۱۳۸۹).

- **عوامل احساسی و تأثیرات درونی:** این عوامل نقش عمده ای در تصمیم های فردی دارند و می توانند در بازارهای مالی از خود تأثیراتی به جای بگذارند. به عنوان مثال گاترگود (۲۰۱۲) در مقاله «خودکنترلی، سواد مالی و مصرف کنندگان بیش از حد بدهی» به رابطه خودکنترلی، سواد مالی و استفاده بیش از حد مصرف کنندگان بریتانیا از اعتبار بدهی می پردازد. نتایج مطالعه وی نشان می دهد فقدان کنترل بر نفس و بی سواد مالی با عدم پرداخت بدهی گزارش شده توسط مصرف کنندگان ارتباط مثبت دارد چرا که فقدان سواد مالی باعث ناتوانی در مدیریت وجه نقد و ایجاد بدهی های غیرقابل کنترل شده است. همچنین عوامل احساسی و تأثیرات درونی تأثیر مهمی در تفسیر و ادراک وضعیت ریسک و شرایط مبهم دارند و اصولاً باعث تشدید یا ضعف شناختی می شوند. فرضیه بازار کارا بیان می کند وقتی افراد خوش بین و غیرمنطقی یک سهام را می خردند سرمایه گذاران منطقی آن را فروخته و زمانی که افراد بدبین و غیرمنطقی سهمی را می فروشند سرمایه گذاران منطقی آن را می خردند (رهنمایی، ۱۳۸۹).

- **میزان ریسک پذیری:** چنین پدیده ای در نوع نگرش سرمایه گذاران به ریسک و شیوه ای که ایشان با استفاده از آن احتمالات را ارزیابی می کنند نشان داده می شود (رهنمایی، ۱۳۹۱). به طور مثال در یک جهان دارای اطلاعات نامتقارن اگر

مدیران صندوق های سرمایه گذاری مشترک ریسک های کم یا هیچ ریسکی را برای از دست دادن عایداتشان به واسطه درگیر شدن در سرمایه گذاری های بر ریسک تحمل نکنند و بتوانند چنین واکنش هایی را از موشکافی و بررسی دقیق سرمایه گذاران پنهان نمایند. مجموعه ای از مخاطرات اخلاقی رخ می نماید و به طور بالقوه بازدهی های آنان از لحاظ اقتصادی، برآیندهای ناکارا خواهد داشت. همچنین الر و جانسون در سال ۱۹۹۰ تبیین کردند سرمایه گذاران پس از آنکه از کسب بازدهی های غیر منتظره بالا لذت بردند، ممکن است برای اندازه گیری ریسک یک بازار سهام آماده تر باشند. اگر آنان چنین کنند هرچند از تحمل یک زیان کوچک رنجیده می شوند. لیکن حداقل جلو بودن در یک سال آرام بخش خاطرشان خواهد شد (رهنمایی، ۱۳۹۱).

چگونگی سنجش سطح سواد مالی

با توجه به پراکندگی و عدم اتفاق نظری که در تعریف سواد مالی وجود دارد، دور از انتظار نیست که راهکارهای مختلفی هم برای سنجش آن وجود داشته باشد، چرا که اساساً سنجش هر موضوعی نسبت به تعریف آن تابعیت دارد، به این معنا که حدود و دامنه تعریف است که ابعاد و محتوای سنجش را مشخص می کند. با بررسی پژوهش های انجام شده می توان گفت که پژوهشگران در محتوای سنجش و روش سنجش سواد مالی با هم اتفاق نظر ندارند.

پژوهشگران مختلف با توجه به تعریفی که از سواد مالی ارائه کرده اند، دامنه متفاوتی را نیز برای سنجش آن در نظر گرفته اند که بخش وسیعی از موضوعات را شامل می شود که می توان به مواردی همچون فهم بازارهای پول و سرمایه، مؤسسه های مالی، ابزارهای مالی و تفاوت میان آنها، نرخ بهره و بهره مرکب، تورم، سرمایه گذاری، متنوع سازی ریسک، صورت های مالی، برنامه ریزی مالی، برنامه ریزی بودجه، مشورت گرفتن درباره موضوعات مالی، و نوع و تنوع منابع اطلاعاتی و تحلیلی برای کسب آگاهی از موضوعات مالی اشاره کرد.

لوساردی و میتچل (۲۰۱۱) چهار اصل برای طراحی سنجه های اندازه گیری سواد مالی بیان کرده اند. این چهار اصل عبارتند از: ۱. سادگی؛ ۲. مربوط بودن؛ ۳. موجز بودن؛ و ۴. ظرفیت تمیزگذاری. منظور از این اصول آن است که سنجه ها یا پرسش ها باید مفاهیم پایه یا الفبای مالی را بسنجند و با تصمیم گیری های مالی روزمره مردم مرتبط باشند. تعداد پرسش ها کمترین میزان ممکن باشد و به گونه ای طراحی شوند که میان سطوح مختلف دانش مالی تمیز بگذارند تا امکان مقایسه امتیازهای مختلف با یکدیگر فراهم شود. هاستون (۲۰۱۰) با بررسی ۷۱ پژوهش در حوزه سواد مالی نشان داد محققان در ارجاع به سواد مالی یا دانش مالی بیشتر چهار حوزه مفاهیم پایه (شامل قدرت خرید پول، ارزش زمانی پول، حسابداری مالی فردی و غیره)؛ مفاهیم استقراض (شامل وام رهنی، وام مصرف کننده، کارت اعتباری و غیره)؛ مفاهیم سرمایه گذاری (شامل پس انداز، سهام، اوراق قرضه، صندوق های سرمایه گذاری و غیره)؛ و مفاهیم حفاظت (شامل بیمه و سایر تکنیک های مدیریت ریسک) را در نظر داشته اند و هر یک از آنها مفاهیم پایه، مفاهیم استقراض، مفاهیم سرمایه گذاری و مفاهیم حفاظت به ترتیب در ۶۳، ۵۲، ۶۹ و ۳۳ درصد از پژوهش ها محتوای سنجش بوده اند. این درحالی است که فقط در ۲۵ درصد از پژوهش ها هر چهار حوزه یاد شده در ارزیابی سواد مالی لحاظ شده اند و در ۳۵ درصد از آنها فقط یکی از چهار حوزه برشمرده شکل دهنده محتوای سنجش بوده است.

معضل روش شناختی دیگری که در سنجش سواد مالی وجود دارد این است که آیا باید دانسته های افراد درباره موضوعات مالی و اقتصادی سنجیده شود یا رفتارها و گرایش های آنها. زیرا ممکن است فردی درباره اهمیت متنوع سازی ریسک آگاهی لازم را داشته باشد؛ اما به دلایل مختلف از جمله روحیه خطرپذیری این آگاهی در رفتار یا گرایش های وی

بازتاب نیابد. بنابراین، صرف آگاهی افراد از مفاهیم مالی و اقتصادی نمی‌تواند عامل تعیین کننده در تغییر رفتارهای مالی و اقتصادی آنها باشد. از طرف دیگر، تورش های رفتاری خود عامل دیگری هستند که می‌توانند اثر سواد مالی را خنثی کنند.

بحث و نتیجه گیری

سواد مالی بر روی توانایی مدیریت امور مالی شخصی مؤثر است کسانی که این موضوع را درک می‌کنند باید بتوانند به سوالات متعددی در مورد خرید پاسخ دهند، از جمله اینکه آیا خرید ضروری است، چه قدر مقرون به صرفه است و آیا اصلاً نیازی به خرید می‌باشد یا خیر.

بی‌سواد مالی همه سنین و همه سطوح اجتماعی - اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بی‌سواد مالی باعث می‌شود که بسیاری از افراد قربانی قرض، کلاهبرداری و نرخ‌های بهره بالا شوند که به‌طور بالقوه منجر به از دست دادن پول آن‌ها می‌شود در حالی که ممکن است خودشان برداشت متفاوتی نسبت به این قضیه داشته باشند و آن را به درستی درک نکنند. فقدان سواد مالی می‌تواند منجر به ایجاد بدهی و تصمیم‌گیری‌های مالی ضعیف شود. بسیاری از افراد فاقد مهارت‌های اولیه برای پرداخت‌های بدهی خود و طرحی برای آینده هستند.

داشتن سواد مالی کمک می‌کند به‌جای اینکه اجازه دهید اوضاع اقتصادی شما را کنترل کند، شما زمام امور مالی خود را به دست بگیرید. به‌علاوه، نگرش شما نسبت به مسائل مالی تغییر می‌کند و هوشمندانه‌تر سرمایه‌گذاری می‌کنید.

منابع

۱. عاصی، مهرداد، چیرانی، ابراهیم و فرحبد، فرزین؛ طراحی مدلی جهت تبیین سواد مالی سرمایه گذاران خرد بازار سرمایه، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۵۲، زمستان ۱۳۹۹، سال سیزدهم، صفحات ۲۶۹-۳۰۷.
 ۲. خداپناه، مینا، دواپی، مهدی، موسی پور، نعمت اله و احمدی، غلامعلی؛ زمینه ها و راهبردهای اجرای برنامه درسی سواد مالی برای دوره ابتدایی، دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، سال نهم، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صفحات ۳۶۱-۳۹۴.
 ۳. قادری رهقی، مجید و خندان علمداری، صابر؛ ارائه چارچوبی برای استقرار و توسعه نظام پیوسته سواد مالی از طریق سنجش سواد مالی در مدارس متوسطه تهران، فصلنامه علمی-پژوهشی کارافن، پاییز ۱۳۹۹، دوره ۱۷، شماره ۳، صفحات ۲۵۵-۲۷۱.
 ۴. هراتیان علی و پیری، محمد؛ اثر ابعاد سواد مالی بر سرمایه گذاری در بورس، مجله حسابداری، مدیریت و اقتصاد با رویکرد پویایی اقتصاد ملی، دانشگاه آزاد ملایر، بهار ۱۳۹۶.
 ۵. یعقوب نژاد، احمد، نیکومرام، هاشم و معین الدین، محمود؛ ارائه الگویی جهت سنجش سواد مالی دانشجویان ایرانی با استفاده از روش دلفی فازی، مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، شماره هشتم، پاییز ۱۳۹۰.
 ۶. رحمانی نوروزآباد، سامان و محمدی، اسفندیار؛ پیامدهای سواد مالی بر تصمیمات سرمایه گذاران و عملکرد سرمایه گذاری، فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال دوازدهم، شماره چهل و یکم، بهار ۱۳۹۸.
 ۷. موذنی، الهام، دائی کریم زاده، سعید و ابراهیم زاده، رضا؛ بررسی سطح سواد مالی، کنفرانس بین المللی مدیریت و اقتصاد در قرن ۲۱، زمستان ۱۳۹۴.
 ۸. شیرازیان، زهرا؛ بررسی نقش سواد مالی و مدیریت پول بر مدیریت مالی شخصی سرمایه گذاران بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال یازدهم، شماره سی و هشتم، تابستان ۱۳۹۷.
9. Ateş, S. Coşkunb, A. Sabin, A. (2016). Impact of Financial Literacy on the Behavioral Biases of Individual Stock Investors: Evidence from Bursa Istanbul. *Business and Economics Research Journal*.
 10. Brown, M. and Graf, R. (2013), "Financial Literacy and Retirement Planning in Switzerland", *Numeracy*, Vol. 6 No. 2, Article 6.
 11. Harris, Laurence. Sholevar, Maryam.(2019) " Mind the Gap: A Discussion Paper on Financial Literacy and Financial Behaviour: Is There Any Gender Gap?" ,SSRN.
 12. Hayat, A. Anwar M. (2016). Impact of Behavioral Biases on Investment Decision; Moderating Role of Financial Literacy" Working Paper, Department of Business Administration, International Islamic University Islamabad Pakistan.
 13. Karimkban, M. eslami, S. (2015). Examination the factors affecting on Financial literacy and its relation with participation in Tehran exchange market. Postgraduate Dissertation. Shahid beheshti university, Tehran.
 14. Ohaness G. P. Kevin J. Stephen B. Robert K. (2015). Financial Literacy and Behavioral Bisses among Traditional Age College Students. *Financial Education*.